

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مختصر

حقوق اساسی ۱ و ۲



تدوین

مسلم یعقوبی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه : یعقوبی، مسلم، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور : مختصر حقوق اساسی ۱ و ۲ / تدوین مسلم یعقوبی.
مشخصات نشر : تهران: چتر دانش ، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۲۴۹ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۷۹-۴
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه ص. ۲۴۵.
موضوع : حقوق اساسی -- راهنمای آموزشی (عالی)
رده بندی کنگره : K۳۱۶۵/۷م۳ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی : ۳۴۲/۰۰۷
شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۳۸۸۷۴

نام کتاب : مختصر حقوق اساسی ۱ و ۲
ناشر : چتر دانش
تدوین : مسلم یعقوبی
نوبت و سال چاپ : سوم - ۱۳۹۸
شمارگان : ۱۰۰۰
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۷۹-۴
قیمت : ۱۳۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

پیشگفتار

مباحث مرتبط با حقوق اساسی در قالب حقوق اساسی یک (۲ واحدی) مشتمل بر مباحثی چون؛ کلیات، تاریخ حقوق اساسی، جایگاه حقوق اساسی، مفاهیم حقوق اساسی، مشکل و ساختار دولت کشور، انواع رژیم‌های سیاسی، تفکیک قوا، انتخابات و حقوق عمومی و آزادی‌های اساسی ملت و مباحث حقوق اساسی دو (۳ واحدی) مشتمل بر مطالعه‌ی نهادهای سیاسی ایران بالاخص اصول قانون اساسی که در دانشگاه‌های سراسری، آزاد و غیر انتفاعی و جامع علمی کاربردی تدریس می‌شود. علما و صاحب‌نظران حقوق عمومی، در هر دو مبحث کتب عدیده‌ای تألیف کرده‌اند که برخی از آنها به علت جامعیت و ابتکار در دسته بندی مطالب، سرآمد بقیه بوده و همواره مرجع مراجعات طراحان سؤال برای مقاطع تحصیلی تکمیلی (ارشد و دکتری) بوده است. لذا در کتاب حاضر سعی شده است مهمترین مباحث کتب حقوق اساسی که توسط اساتید فرهیخته‌ی این حوزه تألیف شده‌اند؛ از جمله کتب حقوق اساسی آقایان دکتر ابوالفضل قاضی، دکتر سید محمد حسین هاشمی، دکتر منوچهر طباطبائی، دکتر عمید زنجانی و دکتر جلال الدین مدنی اقتباس و مورد تلخیص قرار گرفته و در راستای بهبود مدیریت زمان داوطلبان آزمونهای تحصیلات تکمیلی و نیز با دسته بندی مناسب مطالب ارائه گردد. در این راه از تجارب تألیفات قبلی در پاسخ تشریحی به سئوالات ده سال آزمون‌های ارشد سراسری و دانشگاه آزاد نهایت استفاده شده است.

در انتها از تلاشهای بی وقفه‌ی مدیریت و کارکنان محترم مؤسسه‌ی آموزش عالی چتردانش که مشوق اینجانب در تهیه و تدوین کتاب حاضر بوده اند نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

فهرست

۲۱	کلیات حقوق اساسی و تدوین قانون اساسی
۲۱	کلیات
۲۲	نقایص تعریف فوق
۲۲	تعریف نهاد
۲۳	نهاد سیاسی
۲۳	قانون اساسی از منظر شکلی
۲۳	علت برتری این قواعد
۲۴	قانون اساسی ماهوی (مادی)
۲۴	از جمله منابع حقوق اساسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد
۲۵	تقسیمات حقوق اساسی
۲۵	موضوع مقایسه می‌تواند
۲۵	کلیاتی در خصوص حقوق تطبیقی، لزوم و ضرورت آن

بخش اول: کلیات و مبانی حقوق اساسی ۲۷

۲۷	فصل اول: دولت و اشکال آن
۲۷	۱- معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌ی «دولت»
۲۸	کاربرد واژه‌های ترکیبی
۲۸	۱- دولت، نماد قدرت سیاسی
۲۸	۳- منشأ تاریخی دولت
۲۸	ویژگی قدرت در جوامع اولیه
۲۸	تاریخچه‌ی ظهور دولت
۲۹	تعریف دولت از دیدگاه جامعه‌شناسان
۲۹	تعریف دولت و عوامل متشکله‌ی آن
۲۹	مبحث اول: جمعیت
۲۹	لازمه‌ی تشکیل جامعه‌ی سیاسی عبارتند از
۳۰	لازمه‌ی تشکیل دولت
۳۰	۱- نظریه آلمانی
۳۰	پایه گذاران این نظریه عبارتند از
۳۰	گوبینو معتقد است
۳۱	عقاید هیتلر

۳۱	۲- نظریه‌ی فرانسوی
۳۱	از جمله نظریه پردازان عبارتند از:
۳۱	ویژگی‌های عقاید آقای دوورژه
۳۲	ماهیت تاریخ و کاربرد آن
۳۲	ب- ملت و اصل تعیین سرنوشت سیاسی
۳۲	۱- اصل ملت‌ها (آزادی ملت در تعیین سرنوشت خود)
۳۳	مسأله‌ی اقلیت‌ها (که یک موضوع داخلی دولت‌هاست)
۳۴	اتباع دولت و مسأله‌ی تابعیت
۳۴	موارد بی‌تابعیت (آپاترید) عبارت است از:
۳۵	فرق ملت با امت
۳۵	مبحث دوم: سرزمین
۳۵	سرزمین
۳۵	استثنائات تاریخی
۳۵	رابطه‌ی سرزمین و تشکیل دولت
۳۶	انواع مرز
۳۶	مرزهای دریایی
۳۷	قلمرو هوایی
۳۷	مرزهای غیرطبیعی (مصنوعی)
۳۷	رابطه‌ی حقوقی دولت با سرزمین در این رابطه سه نظریه به شرح زیر وجود دارد
۳۸	مبحث سوم: قدرت عالی (حاکمیت)
۳۸	کلیات
۳۸	الف- تکامل سازمان دولت
۳۹	ب- وسعت همبستگی اجتماعی
۴۰	قدرت عالی و مسأله‌ی مشروعیت
۴۰	انواع قدرت دولت (حکومت)
۴۱	شخصیت حقوقی دولت
۴۱	مزایای این نظریه (شخصیت حقوقی داشتن دولت)
۴۲	فصل دوم: ترکیب دولت
۴۲	مبحث اول: اشکال مختلف دولت
۴۲	الف- ویژگی دولت بسیط
۴۲	۱- ویژگی‌های دولت بسیط متمرکز
۴۳	۲- ویژگی‌های دولت بسیط غیرمتمرکز

۴۳ وحدت انضمامی
۴۴ در منطقه گرایبی اداری
۴۴ در منطقه گرایبی سیاسی
۴۴ ب- دولت مرکب و مسأله‌ی فدرالیسم
۴۴ ویژگی دولت مرکب
۴۴ در عرصه‌ی بین‌الملل، عامل اتحاد دولت‌ها عبارتند از
۴۵ فدرالیسم
۴۵ ویژگی اتحاد در سیستم فدرالیسم
۴۵ انواع دولت‌های مرکب
۴۶ الف- اتحاد شخصی
۴۶ ب- اتحاد حقیقی
۴۶ ج- اتفاق دول (کنفدراسیون)
۴۶ ویژگی کنفدراسیون
۴۷ د- فدراسیون دولت‌ها (دولت‌های متحده)
۴۷ الف- اصل خودمختاری
۴۸ ب- اصل مشارکت
۴۸ فرق دولت‌های تحت‌الحمایه با فدرال
۴۸ وضع دولت‌های تحت‌الحمایه با فدرال
۴۸ وضع دولت‌های عضو فدرال از لحاظ حقوق داخلی
۴۸ دول عضو به جز امور زیر در سایر امور استقلال عمل دارند
۴۸ ویژگی فدرالیسم امریکا
۴۹ - رابطه بین دولت فدرال و دولت‌های عضو
۴۹ پارلمان در فدرالیسم
۵۰ فرق بین دولت متحده (فدرال) و دولت متفقه (کنفدراسیون)
۵۰ از جمله اختیارات کلی دولت فدرال عبارتند از
۵۱ فصل سوم: منشأ حاکمیت دولت و انواع حکومت‌ها
۵۱ مبحث اول: حاکمیت سیاسی
۵۱ ماهیت قدرت
۵۱ جنبه‌های فردی قدرت عبارت بودند از
۵۲ قدرت در جامعه سیاسی
۵۲ رابطه‌ی حقوق و قدرت
۵۲ مبحث دوم: حاکمیت و تحول تاریخی آن

۵۲	حاکمیت در دیدگاه ژان بدن.....
۵۳	ویژگی حقوق طبیعی.....
۵۳	قلمرو حاکمیت و حقوق بین‌الملل.....
۵۳	اندیشه‌های ژرژسل.....
۵۴	تشریح نظریه‌ی رابطه‌ی مستقیم.....
۵۴	مبحث سوم: حاکمیت دولت به عنوان نماد اراده‌ی عمومی
۵۵	انواع وجوه حاکمیت.....
۵۵	تحت‌الحمایگی و قیمومت.....
۵۶	مبحث چهارم: منشأ حاکمیت سیاسی
۵۶	۱- نظریه حاکمیت تئوکراتیک.....
۵۶	انواع حکومت‌های تئوکراتیک.....
۵۷	منشأ حاکمیت در ایران.....
۵۷	حاکمیت در اسلام.....
۵۷	۲- حاکمیت دموکراتیک «واژه‌های یونانی مرکب از demos (مردم) و cratos (حکومت)».....
۵۸	کلیات.....
۵۸	الف- حاکمیت مردم.....
۵۸	ایراد این نظریه.....
۵۸	ب- حاکمیت ملی.....
۵۹	نتیجه‌ی پذیرش حاکمیت ملی.....
۵۹	حق رای از دیدگاه دو نظریه‌ی حاکمیت مردم و حاکمیت ملی.....
۶۰	تفاوت آثار حاکمیت مردمی و حاکمیت ملی در عمل.....
۶۱	فصل چهارم: طریقه‌ی اجرای حاکمیت
۶۱	کلیات.....
۶۱	الف- حکومت استبدادی.....
۶۲	ب- حکومت دموکراسی.....
۶۲	مبحث اول: حکومت دموکراسی (مردم سالاری)
۶۲	انواع حکومت‌های دموکراتیک.....
۶۲	۱- دموکراسی مستقیم.....
۶۳	۲- دموکراسی غیرمستقیم.....
۶۳	۳- دموکراسی نیمه مستقیم.....
۶۳	مراحل وضع قانون.....
۶۴	طرق پیشنهاد و تصویب قانون توسط ملت.....

۶۴	الف- ابتکار عمومی
۶۴	ب- وتوی عمومی
۶۴	ج- همه‌پرسی یا فراندوم
۶۴	انواع فراندوم
۶۵	کارکردهای دیگر فراندوم
۶۵	مبحث دوم: دموکراسی و نهاد انتخابات
۶۶	شرکت در انتخابات
۶۶	مبحث سوم: دموکراسی و نمایندگی سیاسی
۶۶	کلیات
۶۷	ویژگی وکالت در حقوق مدنی
۶۷	ویژگی وکالت در حقوق اساسی
۶۷	مبحث چهارم: تحول دموکراسی و پیوند آن با آزادی
۶۷	مظاهر آزادی برای مردان در یونان باستان
۶۸	از دیدگاه بنیامین کنستانت
۶۸	مبحث پنجم: انواع دموکراسی غیرمستقیم
۶۸	ب- دموکراسی مارکسیستی
۶۹	ویژگی دموکراسی مارکسیستی
۷۰	فصل پنجم: سازمان دولت
۷۰	کلیات و تبیین اصطلاحات
۷۰	معانی مختلف واژه‌ی حکومت
۷۱	قوه‌ی مجریه و حکومت
۷۱	مبحث اول: قوه مجریه یا دستگاه اجرایی حکومت
۷۱	انواع قوه‌ی مجریه از حیث تعداد مقام عالی آن
۷۲	قوه‌ی مجریه از لحاظ تعداد و چگونگی ترکیب مقامات اجرایی
۷۲	فرق دیکتاتوری با سلطنت مطلقه
۷۲	ویژگی نظام دیکتاتوری از دیدگاه منتسکیو
۷۳	ویژگی عمده‌ی این نوع حکومت
۷۳	۲- حکومت دو رکنی
۷۳	خصوصیات حکومت دو رکنی
۷۴	قوه مجریه از لحاظ شکل و چگونگی تعیین ریاست کشور
۷۴	الف- حکومت سلطنتی
۷۴	حکومت سلطنتی دارای انواعی است

۷۴	این سلطنت نامحدود یا.....
۷۵	ویژگی کلی سلطنت محدود (مشروطه).....
۷۵	سلطنت مشروطه خود بر دو قسم است.....
۷۵	۱- سلطنت ریاستی یا اثنایی.....
۷۵	۲- سلطنت پارلمانی مشروطه.....
۷۶	ب- حکومت جمهوری.....
۷۶	مشخصات جمهوری.....
۷۷	انواع حکومت جمهوری.....
۷۷	الف- جمهوری ریاستی (پرزیدانسیل).....
۷۸	شیوهی انتخاب رئیس جمهور.....
۷۸	ب- جمهوری پارلمانی.....
۷۸	مبحث دوم: قوهی مقننه.....
۷۸	وظایف اصلی مجالس.....
۷۹	انواع مجالس قانون گذاری از حیث تعدد.....
۷۹	الف- فلسفه وجودی مجلس دوم در کشورهای بسیط.....
۸۰	ب- فلسفه وجودی مجلس دوم در کشورهای فدرال.....
۸۰	سازمان فدرال متشکل از دو سازمان است.....
۸۰	سازمان داخلی مجالس مقننه.....
۸۰	اصول تشکیلاتی.....
۸۱	مصونیت پارلمانی پیامد دو اصل است.....
۸۳	۲- کمیسیونهای پارلمان.....
۸۳	علت وجودی کمیسیونها.....
۸۳	انواع کمیسیونهای پارلمانی.....
۸۴	وظایف کمیسیونهای تخصصی.....
۸۴	وظایف و اختیارات قوهی مقننه.....
۸۴	وظایف اولیه و سنتی پارلمانها.....
۸۴	شیوههای تنظیم قانون در رژیم پارلمانی.....
۸۵	روند تصویب قانون.....
۸۵	تنظیم آییننامههای اداری.....
۸۵	علل واگذاری صلاحیت تنظیم آییننامه به قوهی مجریه.....
۸۶	انواع آییننامههای اداری.....
۸۶	قلمرو قانون و آییننامه.....

۸۶	قوانین بنیادی و قوانین عادی
۸۶	تفویض اختیارات قانونگذاری
۸۷	ویژگی تفویض اختیارات قانونگذاری
۸۷	همه‌پرسی (رفراندوم)
۸۷	ب- نظارت پارلمان
۸۷	سایر وظایف پارلمان
۸۸	مبحث سوم: قوه قضائیه
۸۹	راه‌های گزینش قاضی
۸۹	استخدام قضات در ایران
۹۰	۲- غیرقابل عزل بودن قاضی
۹۰	۳- منع جمع شغل قضا با مناصب و مشاغل تقنینی و اجرایی
۹۰	۴- تأمین مالی قاضی
۹۱	فصل ششم: روابط بین قوه مقننه و قوه مجریه و مسأله تفکیک قوا
۹۱	مبحث اول: بحث درباره‌ی اصل تفکیک قوا
۹۱	اساس نظریه‌ی تفکیک قوا
۹۱	نظرات جان لاک در باب تفکیک قوا
۹۲	نظرات شارل لوئی منتسکیو
۹۲	مبحث دوم: مفهوم تفکیک مطلق قوا
۹۲	شرایط تفکیک مطلق قوا
۹۳	مبحث سوم: تفکیک عمودی و افقی قوا
۹۳	ویژگی تفکیک عمودی قوا
۹۴	مبحث چهارم: حکومت‌های ناشی از تفکیک مطلق قوا (رژیم ریاستی)
۹۴	ویژگی حکومت‌های ریاستی
۹۴	مبحث پنجم: تفکیک نسبی یا همکاری قوا (رژیم پارلمانی)
۹۴	ویژگی رژیم پارلمانی
۹۵	انواع رژیم‌های پارلمانی
۹۵	الف- رژیم پارلمانی متعادل
۹۵	ب- رژیم پارلمانی نامتعادل
۹۶	مبحث ششم: روابط بین دولت (قوه‌ی مجریه) و پارلمان:
۹۷	۲- وجوه مداخله‌ی پارلمان در امور حکومت
۹۷	* انواع مسئولیت وزراء
۹۸	مسئولیت دسته جمعی و انفرادی وزراء

۹۹	مبحث هفتم: انتخابات و نظام‌های انتخاباتی.....
۹۹	۱- حق رای.....
۹۹	کلیات حق رای.....
۱۰۰	۲- نظام‌های انتخاباتی.....
۱۰۰	۱- شیوه‌های انتخاباتی اکثریتی، نسبت به وسعت و جمعیت حوزه‌ی انتخاباتی.....
۱۰۰	محاسن و معایب نظام اکثریتی.....
۱۰۱	مسائل طرح در نظام انتخاباتی تناسبی.....
۱۰۱	محاسن نظام تناسبی.....
۱۰۲	معایب نظام تناسبی.....
۱۰۲	۳- احزاب و تأثیر آن در انتخابات.....
۱۰۲	احزاب از حیث ساختار و انضباط ممکن است.....
۱۰۳	۱- سیستم بی‌حزبی.....
۱۰۳	۲- نظام تک حزبی.....
۱۰۳	ویژگی حزب واحد.....
۱۰۳	۳- نظام چند حزبی.....
۱۰۴	مبحث هشتم: طبقه بندی حکومتها.....
۱۰۴	۱- نظریات کلاسیک (سنتی).....
۱۰۴	عقاید علما.....
۱۰۴	۱- افلاطون.....
۱۰۵	۲- ارسطو.....
۱۰۶	۳- منتسکیو.....
۱۰۶	۴- ژان ژاک روسو.....
۱۰۶	طبقه بندی‌های جدید حکومتها.....
۱۰۷	ویژگی نظام‌های حکومتی توتالتر به شرح زیر است.....
۱۰۷	تقسیم حکومت از حیث اختیار زمامداران.....
۱۰۸	فصل هفتم: قانون اساسی.....
۱۰۸	چگونگی تدوین قانون اساسی و اقسام آن.....
۱۰۸	مبحث اول: تدوین قانون اساسی.....
۱۰۸	علل تدوین قانون اساسی.....
۱۰۹	طرق تصویب و تدوین قانون اساسی.....
۱۰۹	انواع قانون اساسی از حیث شکلی.....
۱۱۰	مبحث دوم: اصول و قواعد قانون اساسی و ارزش حقوقی آنها.....

۱۱۱	مبحث سوم: تجدیدنظر در قانون اساسی و تفسیر آن
۱۱۲	انواع تفسیر
۱۱۳	مبحث چهارم: ضمانت اجرای قانون اساسی و مسأله‌ی کنترل قوانین توسط دادگاه
۱۱۳	قانون اساسی
۱۱۳	فلسفه کنترل قوانین عادی و انطباق آنها با قانون اساسی
۱۱۴	* وظایف کلی شورای نگهبان
۱۱۴	مبحث پنجم: حدود قدرت دولت و مسأله‌ی آزادی‌های عمومی
۱۱۵	آزادی
۱۱۵	معانی متعدد آزادی
۱۱۶	تقسیم بندی آزادی‌ها و تکالیف عمومی شهروندان
۱۱۶	الف- آزادی‌های عمومی
۱۱۶	ب- تکالیف عمومی شهروندان
۱۱۶	برابری
۱۱۷	سیر افکار تساوی طلبی
۱۱۸	انواع و اقسام برابری

بخش دوم: مطالعه‌ی حقوق حاکمیت و نهادهای سیاسی ایران..... ۱۲۰

۱۲۰	فصل اول
۱۲۰	ماهیت حاکمیت در ایران
۱۲۰	مبحث اول: کلیات حاکمیت و قانون اساسی ایران
۱۲۲	* محتویات قانون اساسی قابل قبول حداقل دارای دو باب است
۱۲۴	محدودیت بازنگری در قانون اساسی عبارت است از
۱۲۷	موانع تشکیل امت واحده‌ی اسلامی امروزه عبارتند از
۱۲۹	مبحث دوم: اصول حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران
۱۲۹	اصول حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران عبارتند از
۱۳۱	انواع حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی به شرح ذیل است
۱۳۸	مبحث سوم: حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی که مجموعاً موجب امحاء استبداد می‌شود عبارتند از:
۱۳۸	الف- آزادی عمومی
۱۳۸	ب- حاکمیت مردم
۱۳۹	ج- حاکمیت قانون
		اسامی موسسات اقتصادی تحت نظر مقام رهبری موضوع قانون فهرست نهادها و موسسات

۱۴۰	عمومی غیر دولتی عبارت است از
۱۴۲	انواع سرزمین‌ها از نظر اسلام عبارتست از
۱۴۵	انواع حاکمیت
۱۴۵	مبحث چهارم: شکل حکومت در ایران
۱۴۶	۱- اقتدار قوهی مقننه
۱۴۶	الف- در ایران قوهی مقننه نسبت به قوهی مجریه اقتدار کامل دارد چون
۱۴۷	ب- اقتدار نسبی قوهی مقننه بر قوهی قضائیه
۱۴۷	۲- نفوذ یا اقتدار قوهی قضائیه
۱۴۷	الف- نفوذ قوهی قضائیه بر مقننه
۱۴۷	ب- اقتدار قوهی قضائیه بر قوهی مجریه
۱۴۸	۳- اقتدار قوهی مجریه
۱۵۰	فصل دوم: نهاد رهبری
۱۵۰	مبحث اول: رهبری در اسلام
۱۵۱	مبحث دوم: رهبری در قانون اساسی ایران
۱۵۵	مبحث سوم: وظایف و اختیارات رهبری
۱۵۵	نظرات فقهای مشهور در باب محدودهی اختیارات ولی فقیه
۱۵۶	الف- ولایت عام
۱۵۶	ب- ولایت محدود
۱۵۷	الف- ولایت فقیه و حاکمیت ملی
۱۵۷	ب- ولایت مطلقه و حاکمیت قانون اساسی
۱۵۷	ج- ولایت مطلقه فقیه و حقوق ملت
۱۵۸	اهم اختیارات مقام رهبری مصرح در قانون اساسی عبارتست از
۱۵۸	۱- وظایف و اختیارات رهبری در اداره عالیه کشور
۱۵۸	۲- صدور فرمان همه‌پرسی (بازنگری در قانون اساسی)
۱۵۹	۳- نظارت بر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
۱۵۹	۴- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه
۱۵۹	۵- حل معضلات نظام از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۵۹	۶- اختیارات رهبری در قوهی مقننه
۱۶۰	۷- اختیارات رهبری در قوهی مجریه
۱۶۰	۸- اختیارات رهبری در قوهی قضائیه
۱۶۱	ویژگی عفو عمومی
۱۶۱	ویژگی عفو خصوصی

۱۶۲	فصل سوم: قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران.....
۱۶۲	مبحث اول: ماهیت قوهی مقننه در ایران.....
۱۶۳	مبحث دوم: کلیات مجلس شورای اسلامی ایران.....
۱۶۳	۱- انتخابات.....
۱۶۷	شرایط توقف انتخابات.....
۱۶۷	۲- ساختار مجلس شورای اسلامی.....
۱۶۷	الف- تشکیل و افتتاح مجلس.....
۱۶۸	ب- رسیدگی به اعتبارنامهی نمایندگان.....
۱۶۸	ج- ادارهی مجلس.....
۱۶۸	انواع هیأت رئیسه.....
۱۶۹	وظایف هیأت رئیسهی موقت.....
۱۶۹	وظیفه هیأت رئیسه سنی.....
۱۷۰	امور مشترک کمیسیون‌ها.....
۱۷۰	د- جلسات مجلس.....
۱۷۰	۱- کمیسیون‌های خاص.....
۱۷۰	۳- کمیسیون‌های موقت.....
۱۷۱	ه- نطق و مذاکره.....
۱۷۲	حضور اعضای قوهی مجریه و شورای نگهبان در مجلس.....
۱۷۳	و- رأی.....
۱۷۴	۴- کیفیت آراء.....
۱۷۵	۳- نمایندگان.....
۱۷۵	ویژگی‌های نمایندگی.....
۱۷۵	الف- سمت نمایندگی.....
۱۷۵	ب- انواع مصونیت پارلمانی.....
۱۷۶	۱- عدم مسئولیت.....
۱۷۶	ج- تعهدات و حقوق نمایندگان.....
۱۷۶	۱- تعهدات.....
۱۷۶	۲- دستمزد نمایندگان.....
۱۷۷	مبحث سوم: وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی.....
۱۷۷	الف- قانونگذاری.....
۱۷۷	۱- قوانین معمولی.....
۱۷۸	۲- قوانین خاص و سازمان دهنده (ارگانیک).....

۱۷۸	۳- قوانین تفویضی
۱۷۹	مصوبات دولت تحت نظارت مضاعف
۱۷۹	۴- تفسیر قوانین
۱۷۹	ب- کیفیت قانونگذاری
۱۷۹	۱- ابتکار پیشنهاد قانون
۱۸۰	استرداد طرح قانونی
۱۸۱	الف- لوایح و طرح‌های عادی
۱۸۱	۲- بررسی و تصویب قانون
۱۸۲	ب- بررسی و تصویب فوری لوایح و طرح‌ها
۱۸۳	ج- نظارت بر مصوبات مجلس
۱۸۳	۴- امضای مصوبات توسط رئیس‌جمهور
۱۸۴	۵- انتشار قانون
۱۸۴	ب- نظارت (وظیفه دیگر مجلس)
۱۸۴	۱- نظارت تاسیسی
۱۸۶	۲- نظارت اطلاعی
۱۸۸	۳- نظارت استصوابی
۱۸۸	الف- عهدنامه‌های بین‌المللی
۱۸۹	ب- تغییر خط مرزی
۱۹۰	ج- نظارت مجلس بر برقراری حالت فوق‌العاده در کشور
۱۹۰	د- نظارت مجلس بر صلح دعای مالی دولت و یا ارجاع آنها به داوری
۱۹۰	ه- نظارت بر برخی دیگر از اعمال دولتی
۱۹۱	۴- نظارت مالی
۱۹۲	اصول حاکم بر تنظیم بودجه
۱۹۳	۵- نظارت سیاسی
۱۹۵	مبحث چهارم: شورای نگهبان
۱۹۵	کلیات
۱۹۵	الف- کلیات شورای نگهبان
۱۹۷	۱- نظارت بر قوانین و مقررات
۱۹۸	نظارت شرعی شورای نگهبان بر قوانین و مقررات سابق
۱۹۹	۲- تفسیر قانون اساسی
۱۹۹	۳- نظارت بر انتخابات و همه‌پرسی
۲۰۰	الف- نظارت بر امور انتخاباتی مجلس خبرگان

۲۰۰	ب- نظارت بر داوطلبی و انتخابات ریاست جمهوری
۲۰۰	ج- نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی
۲۰۱	نظارت بر همه‌پرسی و مراجعه به آراء عمومی
۲۰۲	فصل چهارم: قوهی مجریه
۲۰۲	مبحث اول: کلیات ریاست جمهوری
۲۰۲	الف- ریاست جمهوری در ایران
۲۰۵	ب- موقعیت و مقام رئیس‌جمهور در ایران
۲۰۶	ج- همکاران رئیس‌جمهور (به جز وزراء)
۲۰۶	د- کفالت ریاست جمهوری
۲۰۷	ه- وظایف رئیس‌جمهور در اداره‌ی عالی‌ه‌ی کشور
۲۰۷	مسئولیت اجرایی قانون اساسی
۲۰۸	وظایف مرتبط با امور بین‌الملل
۲۰۸	ریاست و مسئولیت شورایی‌عالی کشور
۲۰۹	و- وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در ریاست و اعمال قوهی مجریه
۲۱۰	ز- وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در ارتباط با قوای مقننه و قضائیه
۲۱۰	الف- رئیس‌جمهور و قوهی مقننه
۲۱۰	۱- امضای قوانین
۲۱۰	۲- در امر همه‌پرسی
۲۱۰	۳- نصب و عزل وزیران و رای اعتماد به دولت
۲۱۰	۴- توقف انتخابات
۲۱۱	۵- در حضور و احضار به مجلس
۲۱۱	۶- تقاضای تشکیل جلسه غیرعلنی مجلس
۲۱۱	رئیس‌جمهور و قوهی قضائیه
۲۱۱	مبحث دوم: بخش دولت
۲۱۱	الف- هیأت وزیران
۲۱۲	ب- وظایف و اختیارات هیأت وزیران
۲۱۳	نظارت بر آیین‌نامه‌های دولت عبارتست از:
۲۱۳	۱- نظارت قانونی
۲۱۳	۲- نظارت قضایی
۲۱۴	مبحث سوم: وزیران
۲۱۴	الف- کلیات
۲۱۵	ب- سمت وزارت

ج- مسئولیت وزیران	۲۱۵
د- وظایف و اختیارات وزیران	۲۱۶
مبحث چهارم: نیروهای مسلح	۲۱۷
الف- کلیات نیروهای مسلح	۲۱۷
ب- نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران	۲۱۸
۱- ارتش جمهوری اسلامی ایران	۲۱۸
۲- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۲۱۹
۳- نیروی انتظامی	۲۱۹
ج- اهداف تشکیلاتی این سازمان مسلح	۲۲۰
د- ضوابط کلی در نیروهای مسلح	۲۲۰
۱- منع عضویت خارجیان در نیروهای مسلح	۲۲۰
۲- منع استقرار پایگاه نظامی خارجی	۲۲۰
۳- منع استفاده شخصی از امکانات نظامی	۲۲۰
۴- ارتش و سپاه در زمان صلح	۲۲۰
۵- ترفیع و سلب درجه نظامیان باید وفق قانون باشد	۲۲۱
۶- منع دخالت نظامیان در سیاست	۲۲۱
فصل پنجم: قوه قضائیه	۲۲۲
مبحث اول: کلیات قوه قضائیه	۲۲۲
۱- استقلال قوه قضائیه	۲۲۲
۲- استقلال رفتار (رای) قاضی	۲۲۳
مبحث دوم: اهداف و وظایف قوه قضائیه	۲۲۴
مبحث سوم: اداره قوه قضائیه بعد از اصلاح و بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸	۲۲۵
(نظام کنونی قوه قضائیه)	۲۲۵
وزیر دادگستری	۲۲۶
قضات	۲۲۷
الف- استخدام قضات	۲۲۷
ب- مصونیت قضات	۲۲۸
ج- مسئولیت مدنی قضات	۲۲۹
د- وظایف و اختیارات قضات	۲۳۰
۱- الزام به رسیدگی و صدور حکم برابر قوانین	۲۳۰
۲- الزام قضات به عدم اجرای آیین‌نامه‌ها و مقررات خلاف قانون و شرع دادگاه‌ها	۲۳۰
الف- محاکمات	۲۳۱

۲۳۱	ب- احکام
۲۳۱	تشکیلات قوه‌ی قضائیه
۲۳۱	الف- دیوانعالی کشور
۲۳۳	ب- دادگاه‌های عمومی
۲۳۳	ج- مراجع و محاکم قضایی اختصاصی (استثنای بر محاکم عمومی)
۲۳۴	- صلاحیت دیوان عدالت اداری
۲۳۵	- صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت
۲۳۶	جرایم سیاسی و مطبوعاتی
۲۳۷	مبحث چهارم: سازمان‌های پشتیبان قوه‌ی قضائیه
۲۳۸	- وظایف بازرسی کل کشور
۲۳۹	فصل ششم: نهادهای سیاسی خاص (متفرقه)
۲۳۹	مبحث اول: شوراها
۲۴۳	- شورایعالی استانها
۲۴۳	مبحث دوم: صدا و سیما
۲۴۳	۱- صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
۲۴۴	۲- اصول کلی حاکم بر صدا و سیما و فعالیت‌های آن
۲۴۴	مبحث سوم: شورای عالی امنیت ملی
۲۴۵	۱- اعضای شورای امنیت ملی
۲۴۵	۲- وظایف و اختیارات شورا
۲۴۶	مبحث چهارم: مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۴۷	- وظایف و اختیارات مجمع
۲۴۷	۱- حل اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان (فلسفه اولیه تاسیس مجمع بوده است)
۲۴۸	۲- حل معضلات نظام
۲۴۸	۳- وظایف و اختیارات
۲۴۹	منابع و مأخذ

(کلیات حقوق اساسی)

عناوین اصلی

- فصل اول: دولت و اشکال آن
- فصل دوم: ترکیب دولت
- فصل سوم: منشأ حاکمیت دولت و انواع حکومتها
- فصل چهارم: طریقه‌ی اجرای حاکمیت
- فصل پنجم: سازمان دولت
- فصل ششم: روابط بین قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریه و مساله‌ی تفکیک قوا
- فصل هفتم: قانون اساسی

کلیات حقوق اساسی و تدوین قانون اساسی

کلیات

۱- در نیمه‌ی قرن هجدهم بر اثر نوشته‌های سیاسی، فکر تدوین قانون اساسی در اروپا ظهور یافت.

۲- از جمله بانیان این اندیشه ژان ژاک روسو است، که در اثر مشهور خود «قرارداد اجتماعی» به آن اشاره کرده است.

۳- منظور از قانون اساسی: برقراری تشکیلات منطقی قوای عالی‌هی مملکتی است که باید بنا به تصمیم ملت به موجب یک سند کتبی اعلام و برقرار شود.

۴- جامعه‌ی مدنی که بتواند توافق کلیه‌ی اعضای اجتماع را جلب کند باید بر اساس یک قرارداد اجتماعی که همان قانون اساسی است صورت گیرد.

واژه‌ی constitution که ترجمه‌ی فارسی آن **قانون اساسی** است، در اصطلاح حقوق اساسی سه مفهوم دارد:

۱- تشکیلات سیاسی یک کشور که از نوعی انسجام منطقی و عقلانی برخوردار است.

۲- نوشته‌ی قانونی که قواعد پایه و بنیادی سازمان سیاسی کشور را تشکیل می‌دهد و برتر از قوانین عادی است.

۳- رژیم آزاد و لیبرال که در برابر رژیم استبداد و خودکامه قرار دارد.

نکته: ابتدا قوانین بنیادین، جنبه‌ی اخلاقی و مذهبی داشتند و گاهی هم جزء حقوق فطری به شمار می‌آمدند، که با رواج نظریه‌های دموکراتیک جنبه‌ی حقوقی و سیاسی پیدا کردند. * جنبش قانون اساسی یک جنبش دموکراتیک است که خواستار تدوین و استقرار قانون اساسی در کشورها و تجدید سازمان سیاسی آنها است.

نکته: تدوین قانون اساسی اولین بار در سال ۱۷۷۶ با انقلاب آمریکا و سپس ۱۷۸۹ در انقلاب فرانسه صورت گرفت.

نکته: نخستین هدف انقلابیون:

۱- صدور اعلامیه‌ی حقوق

۲- تدوین قانون اساسی

نکته: فکر تدوین قانون اساسی به تدریج جنبه‌ی جهانی یافت؛ تنها کشور مستثنی از این قاعده انگلستان است و علت این استثنا آن است که انگلستان کشور سنن و عادات و رسوم است و مردمان آن نخواستند برای خود قانون اساسی بنویسند. سابقه‌ی تدریس قانون اساسی در جهان و ایران:

- ۱- از اوایل قرن ۱۹ در کشورهای دارای رژیم پارلمانی و دموکراتیک رایج شد.
 - ۲- این درس، ابتدا در جمهوری‌های ایتالیا رسماً در ردیف دروس دانشگاهی قرار گرفت.
 - ۳- اولین مدرس این درس، فرانسواگیز بود که در سال ۱۸۳۴، کرسی حقوقی اساسی را در پاریس تأسیس کرد.
 - ۴- در ایران، تدریس این درس بعد از انقلاب مشروطیت و پس از تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی در سال ۱۲۹۲ و سپس با تأسیس مدرسه‌ی حقوق در سال ۱۲۹۹ آغاز شد. اصطلاح **حقوق اساسی** در ایران نخستین بار توسط منصورالسلطنه به کار برده شد.
- تعریف حقوق اساسی:** رشته‌ای از حقوق عمومی داخلی است که در آن از شکل دولت، سازمان قوای عالی‌ه‌ی مملکتی (مقننه، مجریه و قضائیه)، وظایف و اختیارات هر یک از قوای مزبور و روابط آنها با یکدیگر، حدود قدرت دولت، حقوق و آزادی‌های افراد ملت، گفت‌وگو می‌کند.

نقایص تعریف فوق

- ۱- اولاً حقوق اساسی تنها رشته‌ای نیست که به مطالعه قوای دولتی می‌پردازد، زیرا حقوق اداری و کیفری و حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی و حقوق کار هم به نوعی به قوای عمومی می‌پردازند.
- ۲- محدود کردن حقوق اساسی به قانون اساسی دارای اشکالات متعددی است از جمله اینکه: اصول قانون اساسی در برخی کشورها محدود و در برخی دیگر از کشورها بسیار وسیع است.
- ۳- در برخی کشورها قانون اساسی نسبت به موضوعات احزاب، نظام انتخابات، افکار عمومی، تبلیغات سیاسی، مطبوعات و رسانه‌ها ساکت است. لذا بدون مطالعه‌ی آنها تحقیق در خصوص حقوقی اساسی این کشورها امکان پذیر نیست.

تعریف نهاد

مجموعه‌ی عقاید، افکار، باورها، عادات و رسوم اجتماعی منسجم و تنسيق یافته‌ای اطلاق می‌شود

که در جامعه وجود دارد و بشر مجبور به تبعیت از آن است. (امیل دور کهایی)

نهاد سیاسی

نهادهایی هستند که به اموری می‌پردازند، که به گونه‌ای به دولت و امور عمومی مربوط می‌شود.

- * بررسی نهادهای سیاسی از دیدگاه حقوق اساسی هنگامی ثمربخش است، که مستقیم و غیرمستقیم در ساختار سیاسی کشور مؤثر بوده و دارای خصیصه‌ی حقوقی و الزامی باشد.
- * حقوق اساسی دارای خصلت **حقوقی بوده**، رشته‌ای از **علم حقوق** است و برای افراد الزام‌آور است و اجرا نکردن آن بازتاب اجتماعی و **افکار عمومی** را به همراه خواهد داشت.
- * امروزه مؤلفان حقوق اساسی در تعریف این رشته از حقوق، بیشتر به قواعد و قوانین بنیادی که بر نهادهای سیاسی کشور «قانون اساسی ماهوی» حاکم است توجه دارند، تا قواعد و احکام مندرج در قانون اساسی. (قانون اساسی شکلی)

نکته: افلاطون و ارسطو، «دولت شهر» را پدیده‌ی طبیعی و انسان را بنا به طبیعت خود، موجودی اجتماعی می‌دانستند و شهر را کانون بررسی‌ها و بحث‌های خود قرار می‌دادند.

- * به نظر ارسطو، دولت شهر، در واقع یک خانواده‌ی بزرگ و گسترده محسوب می‌شد.
- * افلاطون برای شهر (polis) جنبه‌ی معنوی و سیاسی قایل بود. از نظر او اصالت با شهر است و فرد جزئی از شهر محسوب می‌شود؛ (جزئی از کل). غایت نهایی، شهر است و بدون آن زندگی برای فرد معنایی ندارد. (اجتماع گرایی)

- * ارسطو علی‌رغم استاد خود افلاطون، شهر را غایت و کمال نهایی نمی‌داند، بلکه غایت شهر (دولت) را تأمین زندگی خوب و رفاه شهروندان، و هدف سیاست را نه فتح شهرهای دیگر، بلکه اداره‌ی شهر و تأمین رفاه و سعادت شهروندان قلمداد می‌کند.
- * ابن سینا و فارابی هم بر اجتماعی بودن انسان تأکید داشتند.

قانون اساسی از منظر شکلی

به مجموع اصول و قواعد بنیادی گفته می‌شود که در یک متن رسمی توسط مقام مؤسس کشور گردآوری شده و به تصویب رسیده باشد.

علت برتری این قواعد

۱- واضح بودن آن است (مجلس مؤسسان، خبرگان ...)

۲- اعمال تجدیدنظر و اصلاح در آن سخت است.

قانون اساسی ماهوی (مادی)

به مجموع قواعد و قوانینی اطلاق می‌شود که حاکم بر ساختار سیاسی دولت، روابط قوا، نهادها و سازمان‌های کشور است. این قواعد می‌تواند:

- ۱- مدون باشد.
 - ۲- عرفی باشد.
 - ۳- آرای محاکم و نظایر آن باشد. (رویه قضایی)
- * قانون اساسی ماهوی دارای ارزش علمی است که ماهیت رژیم سیاسی کشور و حقایق آن را بهتر می‌نمایاند.

نکته: از لحاظ عملی، گرایش کشورها به سوی قانون اساسی شکلی (نوشته) است. چون قانون اساسی ثابت و روشن است، ولی قواعد عرفی مبهم و متغیر است و اثبات آن مستلزم پژوهش است که در مرحله‌ی اجرا با اشکالاتی مواجه است.

از جمله منابع حقوق اساسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- قانون اساسی؛
- ۲- قانون عادی؛
- ۳- فرامین و اعلامیه‌های بنیانگذاران رژیم؛
- ۴- تفسیرهای مربوط به اصول قانون اساسی توسط مراجع صلاحیت دار؛
- ۵- قوانین ارگانیک یا بنیادین؛
- ۶- تصویب نامه‌ها و آیین‌نامه‌های اداری که در اجرای قوانین بنیادی به تصویب می‌رسند،
- ۷- برخی آرای محاکم قضایی و نیز آرای مراجع دستگاه‌های کنترل کننده‌ی قانون اساسی،
- ۸- عرف و عادت و رسوم سیاسی،
- ۹- مذاکرات مجالس قانونگذاری،
- ۱۰- عقاید علما (دکترین).

نکته: در ایران نهاد کنترل و تفسیر قانون اساسی، نهاد سیاسی «شورای نگهبان» است که اعضای حقوقدان مسلمان و فقیه را در خود جای داده است.

تقسیمات حقوق اساسی

* حقوق اساسی بر دو قسم است:

- الف) کلیات حقوق اساسی: که از اصول و قواعد کلی سازمان‌های سیاسی کشور بحث می‌کند.
- ب) حقوق اساسی اختصاصی: تنها درباره‌ی تشکیلات و سازمان سیاسی کشوری خاص (مثلاً ایران) بحث و گفتگو می‌کند.

نکته: در مطالعه‌ی تطبیقی حقوق اساسی، مقایسه و ارزیابی نهادهای سیاسی کشورهای مختلف صورت می‌گیرد.

- * حقوق تطبیقی یک متد و روش مقایسه بیش نیست که منظور از آن بررسی راه حل‌های مختلفی است که دو سیستم حقوقی درباره موضوع واحدی ارائه می‌نمایند.
- * در واقع، ارزیابی دو یا چند نظام حقوقی و تعیین مزایا، محاسن، معایب و نواقص هر یک از آنهاست.

موضوع مقایسه می‌تواند:

- ۱- مکانی (در دو کشور مختلف) باشد.
- ۲- زمانی (در یک کشور در زمان‌های مختلف) باشد.

نکته: حقوق تطبیقی روشی است (نه شاخه‌ای از حقوق) برای بهتر شناختن حقوق ملی و اصلاح آن، درک و استنباط حقوق بیگانه و ایجاد وحدت و تفاهم بین‌المللی.

کلیاتی در خصوص حقوق تطبیقی، لزوم و ضرورت آن

- ۱- حقوق تطبیقی دانش کاملاً تازه‌ای است که در قرن بیستم پا به عرصه‌ی وجود گذاشته است.
 - ۲- روشی است برای درک و فهم قواعد حقوقی و به‌کارگیری آنها (مزایا و معایب قواعد حقوقی داخلی نسبت به مشابه خارجی آن)
 - ۳- توسعه‌ی روابط بین‌الملل اعم از تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نیز تحصیل زبان‌های بیگانه عامل مهم ظهور این روش از مطالعه‌ی حقوق بوده است.
- نکته:** علت عمده‌ی مانع توسعه‌ی حقوق تطبیقی عبارت است از:
اختلاف اصول و مفاهیم، تفاوت‌های بنیادی و ساختاری نظام‌های حقوقی

نکته: مثل وجود دادگاه‌های اداری به علت اهمیت موضوع تفکیک قوا در کشور فرانسه است، در حالی که چنین نهادی در انگلستان جایگاهی ندارد. چون آنها معتقدند قضاوت، خواه بین افراد باشد و خواه بین افراد و دولت، ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد. (نمونه‌ای از اختلاف برداشت در اصل تفکیک قوا که اختلاف فاحش را در سازماندهی بین دو کشور فرانسه و انگلیس ایجاد کرده است).

مطالعه‌ی حقوق اساسی در دو بخش کلی جداگانه صورت می‌گیرد:

بخش اول: کلیات و مبانی حقوق اساسی

فصل اول- دولت و عوامل تشکیل دهنده‌ی آن

فصل دوم- حاکمیت دولت و انواع حکومت‌ها

فصل سوم- سازمان دولت

فصل چهارم- قانون اساسی و احکام آن

فصل پنجم- حدود حاکمیت دولت و مسأله‌ی حقوق و آزادی‌های عمومی

فصل ششم- روابط بین قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریه و مسأله‌ی تفکیک قوا

فصل هفتم- قانون اساسی

بخش دوم: نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول- ماهیت حاکمیت ایران

فصل دوم- نهاد رهبری

فصل سوم- قوه‌ی مقننه

فصل چهارم- قوه‌ی مجریه

فصل پنجم- قوه‌ی قضائیه

فصل ششم- سایر نهادهای سیاسی

بخش اول: کلیات و مبانی حقوق اساسی

فصل اول

دولت و اشکال آن

۱- معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌ی «دولت»

در زبان فرانسه به آن (etat) و در زبان انگلیسی (state) می‌گویند که هر دو مشتق از واژه‌ی لاتین (status) است.

* در لغت به مفهوم وضع و حالت یک شیء آمده است.

* در نوشتجات سیاسی بعدها، وضع و حالت کشور و امور عمومی، به کار رفته است.

* واژه‌ی دولت به مفهوم کنونی از اوایل قرن شانزدهم در برخی کتب سیاسی چون:

۱- «شهریار» اثر مشهور ماکیاولی (۱۵۱۵)

۲- «شش کتاب جمهوریت» اثر ژان بدن (۱۵۷۶) رایج شده است.

* در اصطلاح حقوق اساسی معنی دولت در مفاهیم زیر به کار رفته است:

الف) دولت به معنی وسیع کلمه، به کشور (جامعه‌ی سیاسی) یا جامعه‌ی ملی اطلاق می‌شود.

مثل ایران، فرانسه، آمریکا. منظور بیان این نکته است که کشورهای مزبور جوامع معینی‌اند

که در سرزمین معین، تحت حکومتی خاص زندگی می‌کنند.

ب) دولت به معنی محدود کلمه، قدرت سیاسی یا حکومت، که یکی از عناصر تشکیل

دهنده دولت است، اطلاق می‌شود.

منظور از آن مجموع سازمان‌ها و مقامات سیاسی است که اداره‌ی جامعه را بر عهده دارد.

(مثلاً مردم از دولت ناراضی اند چون دولت مالیات سنگین بسته است. در اینجا واژه‌ی دولت به

دستگاه حکومتی یعنی مجموع سازمان‌ها، مقامات و کارگزارانی اطلاق می‌شود که در جامعه

حضور دارند و بر افراد حکومت می‌کنند.)

ج) دولت به معنی محدودتر، از رژیم سیاسی در میان قوای عمومی که شامل مقننه، مجریه و

قضائیه است تنها در این مفهوم به قوه مجریه اطلاق می‌شود. مثلاً وقتی گفته می‌شود که:

دولت لایحه بودجه را به مجلس تقدیم کرد، به همین مفهوم است.

کاربرد واژه‌های ترکیبی

* دولت-کشور، در معنای «کشور» به کار می‌رود.

* دولت-حکومت، در معنای «رژیم سیاسی» به کار می‌رود.

۱- دولت، نماد قدرت سیاسی

* از لحاظ جامعه شناختی، لازمه‌ی قدرت سیاسی، وجود جامعه‌ی سیاسی (دولت) و لازمه‌ی قدرت سیاسی، وجود جامعه‌ی سیاسی با یک ملت است. **جامعه و قدرت** لازم و ملزوم یکدیگرند و دولت بدون قدرت سیاسی قادر به ادامه‌ی حیات سیاسی خود نیست.

نکته: دیدگاه مارکسیستی در خصوص دولت:

مارکسیست‌ها دولت را یک دستگاه فراساختاری تلقی می‌کنند که باید حافظ سلطه‌ی طبقه کارگر باشد و باور دارند در مرحله‌ای از تکامل اجتماع، دولت محکوم به فناست.

۳- منشأ تاریخی دولت

از دیدگاه جامعه‌شناسان، زمانی می‌توان از دولت به مفهوم امروزی آن، گفتگو کرد که قدرت از عناصر ناخالص آن جدا شده و به شکل یک حاکمیت سیاسی ثابت و مستمری درآید که بر گروه افرادی همگن و متجانس فرمان می‌راند.

ویژگی قدرت در جوامع اولیه

۱- قدرت قائم به شخص زمامدار بود.

۲- قدرت موروثی و ملک شخصی حاکمان تلقی می‌شد.

۳- اراده‌ی شخص، حاکم عمومی جامعه، به شمار می‌رفت.

۴- شخصیت حقوقی قدرت سیاسی در شخص زمامدار مستحیل بود.

۵- قرن‌ها طول کشید تا قدرت سیاسی نوین جدا از وجود شخص زمامدار پا به عرصه‌ی

جوامع بگذارد.

تاریخچه‌ی ظهور دولت

۱- ابتدا به صورت دولت-شهرهای کوچک ظهور کرد. (یونان و روم)

- ۲- با توسعه‌ی امپراطوری، این نوع دولت-شهرها از بین می‌رفتند.
- ۳- امپراطوری پس از تجزیه جای خود را به قدرت‌های فئودالی دادند، و از دولت مرکزی نام و نشانی باقی نماند.
- ۴- دولت به مفهوم امروزی، محصول دوره‌ی رُنسانس است.
- ۵- در عصر رنسانس، با فروپاشی نظام فئودالی، دولت‌های بزرگ جای آنها را گرفتند.
- ۶- از دیدگاه جامعه‌شناسان؛ فرق بین «دولت-شهرهای باستان» و «دولت-کشورهای امروزی» در وسعتشان است، نه در ماهیت آنها.

تعریف دولت از دیدگاه جامعه‌شناسان

وجود دستگاه حکومتی و قدرت سیاسی در جامعه‌ی نسبتاً پیشرفته که به مرحله‌ای از تکامل رسیده و به یک جامعه‌ی همگن و متجانس (به نام ملت) فرمان می‌راند.

تعریف دولت و عوامل متشکله‌ی آن

* دولت به گروهی از افراد انسانی اطلاق می‌شود که در سرزمین معینی سکونت داشته و تابع یک قدرت سیاسی عالی باشند.

* عناصر متشکله‌ی آن عبارتند از:

۱- جمعیت؛

۲- سرزمین؛

۳- قدرت عالی سیاسی (حاکمیت).

مبحث اول: جمعیت

جمعیت، عامل انسانی دولت است. بدون جمعیت، دولت محقق نمی‌شود.

* منظور از جمعیت، مردمی است که افراد آن با پیوندها و همبستگی‌های عمیق معنوی،

فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به یکدیگر مرتبط می‌شوند و آن را در عرصه‌ی گیتی به

عنوان یک ملت قلمداد می‌نمایند.

لازمه‌ی تشکیل جامعه‌ی سیاسی عبارتند از:

۱- وجود روح ملی؛

۲- همبستگی‌های اجتماعی؛

۳- روابط سیاسی؛

۴- وجود قوه‌ی اقتدار حکومت و سازمان فرماندهی.

لازمه‌ی تشکیل دولت

۱- عوامل مادی (سرزمین، جمعیت، قدرت سیاسی)؛

۲- عوامل اصلی (پایه‌ای) همچون روح ملی، همبستگی و احساس تعلق به جامعه‌ی سیاسی.

* دو نظریه‌ی مشهور در خصوص تشکیل ملت عبارتند از:

۱- نظریه‌ی آلمانی

۲- نظریه‌ی فرانسوی

۱- نظریه آلمانی

این عده، ملت را گروهی از افراد انسانی می‌دانند که از یک نژاد بوده و تمدن و زبان مشترکی دارند. تأکید این عده بر عامل نژاد است و آن را رکن اساسی ملیت به شمار می‌آورند.

پایه‌گذاران این نظریه عبارتند از:

۱- دو گوینو (فرانسوی)؛

۲- وایشر دولاپوژ (فرانسوی)؛

۳- استوارت چمبرلین (تبعه‌ی آلمان).

گوینو معتقد است:

* نژاد، زبان و مذهب، عوامل اصلی تشکیل ملت هستند.

* اختلاف موجود بین نژاد صرفاً مربوط به عوامل جغرافیایی نیست؛ بلکه از اختلافات ذاتی

و فطری آنان سرچشمه می‌گیرد.

* وی نژاد آریا را از حیث:

۱- ظرافت و زیبایی، ۲- هوش و ذکاوت، ۳- فهم و استعداد، برتر از سایر نژادها می‌دانست.

عقاید هیتلر

- ۱- هیتلر در کتاب «نبرد من»، ملت را اجتماعی از افراد هم نژاد و هم زبان می‌داند، که تاریخ مشترکی دارند.
 - ۲- ملت‌ها را به ملت‌های با فرهنگ و بی فرهنگ تقسیم می‌کند.
 - ۳- برای ملت آلمان (آریا) رسالت تاریخی برای رهبری سایر ملت‌ها قایل است.
 - ۴- نژاد به اصول سیاست و مرام حزب نازی تبدیل می‌شود.
 - ۵- هدف وی از راه اندازی جنگ جهانی دوم، رسیدن به مقاصد سیاسی و تسلط بر جهان بود.
- نکته:** تعریف ملت بر اساس نژاد یا زبان و مذهب واحد، منطبق با واقعیت‌های تاریخی و وجود خارجی نیست.
- (مثل ملت سوئیس که از سه گروه نژادی، آلمانی، ایتالیایی و فرانسوی و ملت ایران که از اقوام و زبان‌های مختلف، آذری، عربی، فارسی تشکیل شده است.)

۲- نظریه‌ی فرانسوی

از جمله نظریه پردازان عبارتند از:

- ۱- ارنست رنان
 - ۲- میشله
- مدافعان این عقیده می‌گویند، علاوه بر عوامل مادی و غیر ارادی مانند: سرزمین، نژاد و زبان، نقش عوامل معنوی مانند: تاریخ مشترک، منافع و هم بستگی‌های اقتصادی و سیاسی مشترک، احساسات، آرزوها و آرمان‌های مشترک را نمی‌توان در تشکیل ملت، نادیده گرفت.
- در این دیدگاه، عامل اصلی تشکیل یک ملت، آن اعتقاد و احساسی است که فرد نسبت به جامعه‌ی معینی دارد و خود را متعلق به آن جامعه و شریک سرنوشت آن می‌داند و حتی حاضر است تعصبات نژادی، زبانی و مذهبی را کنار بگذارد و با آن گروه انسانی، زندگی مشترک در پیش بگیرد و در این راه فداکاری و ایثار کند.

ویژگی‌های عقاید آقای دوورژه

- * تفکیک بین عوامل مادی و عوامل معنوی، امری تصنعی است.
- * در عین حال که عوامل مادی و غیر ارادی را عامل اساسی تشکیل ملت دانست، معتقد

بود که طرز تفکر و تلقی اعضای یک جامعه‌ی ملی از عوامل مزبور در موضوع، مؤثرتر است.

* در آلمان بیش از آنکه خود نژاد در تکوین ملت آلمان دخیل باشد، افسانه‌ی نژادی، عامل اصلی بوده است. (عامل معنوی)

* ایشان در بین تمام عوامل، برای تاریخ، نقش مهمی قائل است و آن را عامل اساسی در بسط روح ملیت، می‌شمارد.

* منظور از تاریخ، تمام حوادث و وقایع تاریخی است که یک ملت در طول زمان پشت سر گذاشته است و هر ملت از آن، خاطرات غرور آمیزی دارد، که امیال و خواسته‌های او را توجیه می‌کند.

ماهیت تاریخ و کاربرد آن

- ۱- در تمام کشورها آموزش تاریخ وسیله‌ای است برای پرورش احساسات ملی و آموختن درس میهن پرستی برای نسل‌های تازه.
- ۲- هر ملتی با آموختن تاریخ به خصایص و امتیازات و هویت ملی خود پی می‌برد.
- ۳- همواره از تاریخ به عنوان وسیله‌ای برای برانگیختن غرور ملی (حس ناسیونالیستی) و احساسات خطرناک برتری جویی استفاده شده است.
- ۴- دیکتاتورهای گاهی تاریخ را همچون مُخَدّری برای فریب افکار عمومی به کار برده و آن را وسیله‌ای برای توجیه مقاصد پلید و تجاوزکارانه‌ی خود قرار داده اند.

ب- ملت و اصل تعیین سرنوشت سیاسی

تکته: هر ملتی در تعیین سرنوشت سیاسی خود آزاد است و حق دارد برای خود دولتی تشکیل دهد. مؤید این حق وجود دو اصل زیر است:

۱- اصل ملت‌ها: (آزادی ملت در تعیین سرنوشت خود)

وجود این اصل وجود منطقی آزادی و حاکمیت ملی است که با انقلاب کبیر فرانسه اعتبار جهانی یافت.

* اصل ملیت‌ها به هر ملتی حق می‌دهد تا طبق خواست اعضا و افرادش سرنوشت سیاسی خود را در اختیار داشته باشد.

* وجود این اصل در قرن ۱۹ و ۲۰ در رهایی ملت‌ها از یوغ استعمار نقش مهمی را ایفا کرد.

* اصل حاکمیت ملت در سرنوشت خود در ماده ۷۶ منشور ملل متحد و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ مورد تأکید قرار گرفته است.

نکته: اصل ملت‌ها منطبق با اصول عدالت و برابری ملت هاست.

نکته: اصل ملت‌ها عملاً در مورد ملت‌هایی قابل اجرا است که با جدا شدن آنها از یک دولت بتوانند تشکیل دولت مستقل را بدهند. (حفظ وضع نظم عمومی موجود)

نکته: اقلیت‌های نژادی، زبانی و مذهبی که در نقاط مختلف یک کشور به صورت پراکنده زندگی می‌کنند عملاً نمی‌توانند به استناد اصل ملیت‌ها، دولت جداگانه تشکیل دهند و زندگی مستقل در پیش گیرند.

مسأله‌ی اقلیت‌ها (که یک موضوع داخلی دولت هاست)

* این موضوع داخلی، همواره دستاویزی بر مداخلات دولت‌های بزرگ در امور داخلی دولت‌های ضعیف بوده است.

* اقلیت‌ها اصولاً تابع همان قانونی هستند که در مورد اتباع کشور اجرا می‌شود.

* در طول تاریخ بارها به موجب عهدنامه‌هایی بین‌المللی حق حاکمیت دولت‌ها در مورد اقلیت‌ها محدود شده است.

* مسأله‌ی حمایت از اقلیت‌ها، فاقد ضمانت اجرای بین‌المللی است.

* امروزه سعی می‌شود در قانون اساسی، حقوق اقلیت‌ها از لحاظ تساوی حقوق مدنی و سیاسی با سایر اتباع کشور صریحاً تضمین و تعیین شود.

* اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، حقوق اقلیت‌ها را صریحاً برای همه‌ی افراد می‌شناسد و دولت‌ها را مکلف می‌کند که از هرگونه تبعیضی در این باره خودداری کنند.

نکته: مشکلات اقلیت‌ها در کشورهای فدرال با اعطای خود مختاری به ایالات حل شده است.

نکته: مشکلات اقلیت‌ها در کشورهای کمونیستی و بسیط نیز با توسل به سیستم عدم تمرکز اداری و منطقه‌گرایی حل شده است.

اتباع دولت و مسأله‌ی تابعیت

اتباع: مجموع افرادی که به عنوان اعضای یک ملت، از نظام و قوانین آن کشور تبعیت می‌کنند. **تابعیت:** رابطه‌ی محکم حقوقی، سیاسی و معنوی است بین اتباع و دولت متبوعه، که اقامت در خارج از کشور هم نمی‌تواند موجب قطع آن شود.

* تابعیت متضمن یک سلسله حقوق و تکالیفی برای دارنده‌ی آن است. تبعه، همان گونه که از امتیازات مدنی و سیاسی شهروندی کشور متبوع خود بهره مند است باید الزامات (تکالیف) آن را نیز پذیرا باشد.

* مباحث مربوط به تابعیت (تحصیل، ترک تابعیت و ...) از مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی است.

* برابر اصل ۴۱ قانون اساسی ایران:

«تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است. دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.»
* کسب تابعیت و یا از دست دادن آن بستگی به قانون هر کشور دارد. (جزء قواعد حقوق داخلی است)

موارد بی تابعیت (آپاترید) عبارت است از:

- ۱- در کشورهایی که تابعیت بر پایه سیستم خون باشد، کسی که از پدر و مادر نامعلوم به دنیا آمده باشد بی‌تابعیت محسوب می‌شود. (مگر آنکه طبق اصل خاک تابعیت محل تولد بر آن تحمیل شود).
- ۲- شخص، تابعیت خود را به عنوان مجازات از دست بدهد، بدون اخذ تابعیت کشور دیگر.
- ۳- چنانچه شخص تابعیت دولت متبوع خود را ترک کند، بدون اینکه تابعیت کشور دیگری را پذیرفته باشد.

نکته: در تمامی موارد فوق، چون شخص تابعیت کشوری را ندارد از حقوق و مزایای داشتن تابعیت، محروم و بلا تکلیف خواهد بود.

نکته: مطابق مقاله‌نامه‌های بین‌المللی تقلیل بی‌تابعیت، مورخ ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱، دولت‌های متعاقد، حق ندارند (به دلایل نژادی، مذهبی، سیاسی...) از اتباع خود، سلب تابعیت کنند.

نکته: سلب تابعیت به عنوان مجازات نیز خلاف قواعد حقوق بین‌الملل است.

نکته: تابعیت یک مفهوم متغیر بوده و با جابه‌جا شدن مرزها تغییر پذیر است، حال آنکه ملیت یک مفهوم معنوی و عاطفی است و وابسته به مرزهای سیاسی نیست.

نکته: امت یک مفهوم اعتقادی و ایمانی است که ملاک آن تدین به دین (اسلام) است که معمولاً گروه‌ها، اقوام و نژادهای مختلف را در بر می‌گیرد.

فرق ملت با امت

- ۱- امت مفهوم دینی (اعتقادی) است.
- ۲- ملت مفهوم سیاسی است.
- ۳- امت یک گروه انسانی وسیعی است که افراد آن پیرو یک دین یا یک آیین هستند.
- ۴- هیچ عاملی از قبیل: مکان جغرافیایی، نژادی و زبان، اعضای امت را از پیروی آن دین یا آیین، مقید و محدود نمی‌سازد. (مثل: امت اسلامی، امت مسیح، امت یهود...)

مبحث دوم: سرزمین

سرزمین

- ۱- عامل مادی دولت است.
- ۲- شامل بخشی از آب، خاک و فضا است.
- ۳- سرزمین و قلمرویی که دولت در آن فرمانروایی می‌کند.
- ۴- تشکیل دولت بدون سرزمین مفهومی ندارد.

استثنائات تاریخی

- ۱- اشغال سرزمین (فرانسه و فلسطین)
- ۲- تشکیل دولت قبل از ورود به سرزمین معین (دولت ایالتی ماساچوست آمریکا)

رابطه‌ی سرزمین و تشکیل دولت

- * سرزمین چارچوبی طبیعی است، که محدوده‌ی اجرای قدرت را ممکن و میسر می‌سازد.
- * محدوده‌ی فرمانروایی را معین می‌کند.

- * سرزمین عامل اصلی وحدت ملی است. (تمایز ملیت‌ها و تشخیص هویت)
 - * سرزمین عامل سازنده‌ی روح همبستگی است.
 - * سرزمین وسیله‌ی تحقق استقلال دولت و آزادی عمل قدرت سیاسی است.
 - * سرزمین به ملت تجسم عینی می‌بخشد و موجب بقا و حاکمیت ملت می‌شود.
- پدیده‌ی مرز: مرز پدیده‌ای نوظهور است.
- * فکر تعیین دقیق مرز با پیشرفت علوم جغرافیایی و ریاضی به قرن شانزدهم بر می‌گردد.

انواع مرز:

۱- طبیعی (رشته کوه ها، رودخانه‌ها، دره ها)

۲- مصنوعی (مبادین مین، سیم خاردار و ...)

نکته: خط القعر: خط وسط عمیق ترین نقطه قابل کشتیرانی رودخانه را گویند. (زرفاب- تالوگ)
کشورهایی که رودخانه‌ی قابل کشتیرانی بین آن‌ها قرار داشته باشد از این شیوه جهت تعیین مرز استفاده می‌کنند. (مثل رودخانه‌ی اروندرود بین ایران و عراق) البته در تعریف دیگر از به هم پیوستن دامنه‌ی دو بلندی که پست‌ترین نقطه بین دو ارتفاع باشد را نیز گویند که محل عبور آبهای جاری شده از دامنه‌ی دو بلندی (درّه) است.

مرزهای دریایی

مرز دولت‌های محدود به دریا، عبارت است از: آخرین نقطه‌ی آبهای که در اصطلاح حقوق بین‌الملل، آبهای ساحل (آبهای سرزمین) نامیده می‌شود.

نکته: طول آبهای ساحلی از خط مبدا به سمت دریا ۱۲ مایل دریایی است. (کنوانسیون ۱۹۸۲ ژنو حقوق بین‌الملل دریاها) به موجب قوانین مصوب ۱۳۳۸ و ۱۳۷۲، آبهای ساحلی ایران در دریای عمان و خلیج فارس ۱۲ مایل دریایی است.

نکته: حاکمیت دولت به آبهای ساحلی و داخلی ختم نمی‌شود، بلکه دولت‌ها در این منطقه حاکمیت مطلق دارند، ولی در ورای آبهای سرزمینی مناطق دیگری (منطقه‌ی مجاور، فلات قاره، منطقه‌ی انحصاری اقتصادی) وجود دارد، که در آنجا حاکمیت نسبی توسط دولت ساحلی اجرا می‌شود.

قلمرو هوایی

قلمرو هوایی هر دولت، شامل فضای بالای سرزمین و آبهای ساحلی آن است.

نکته: کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو، تعیین مقررات پرواز هواپیماها بر قلمرو هوایی هر کشور را به خود آن کشور واگذار کرده است.

مرزهای غیرطبیعی (مصنوعی)

در جاهایی که عوارض طبیعی جهت تعیین مرز موجود نباشد، از علایم مصنوعی مانند سیم خاردار، خندق، میله و غیره استفاده می‌شود. در بعضی کشورها مرز بر اساس مدارهای جغرافیایی تعیین شده است.

(دو کشور کره شمالی و کره جنوبی با مدار ۳۸ درجه و کشورهای ویتنام شمالی و جنوبی بر اساس مدار ۱۷ درجه از هم جدا می‌شوند).

نکته: سرزمین، یکی از عوامل تأمین وحدت ملی است و آن را استوارتر و محکم‌تر می‌سازد.

رابطه‌ی حقوقی دولت با سرزمین: در این رابطه، سه نظریه به شرح زیر وجود دارد:

الف- نظریه‌ی مالکیت: دولت به عنوان شخص حقوقی، مالک سرزمین ملی است. (این نظریه درست نیست، چون مالکیت خصوصی افراد را نقض می‌کند.)

ب- نظریه‌ی حاکمیت و فرمانروایی: این نظریه رد شده است به این علت که:

- ۱- حاکمیت تنها بر انسانها صادق است نه سرزمین و اموال
- ۲- حاکمیت دولت محدود به سرزمین نیست؛ چون در برخی مواقع به همراه افراد (اتباع) به خارج از مرزها هم گسترش می‌یابد.

ج- نظریه‌ی حق عینی سازمانی (صلاحیت): این نظریه مورد تأیید اکثر علمای حقوق است.

- ۱- عینی؛ یعنی این حق مستقیماً بر خاک و سرزمین ملی جاری است.
- ۲- سازمانی یعنی محتوای حق مزبور را مقتضیات منافع عمومی تعیین می‌کند. در این مفهوم حق دولت بر قلمرو، نوعی **مباشرت و سرپرستی** تلقی می‌شود.

نکته: یکی از اصول مهم حقوق عمومی، انتقال و تجزیه ناپذیر بودن سرزمین دولت به عنوان اساس حاکمیت شناخته شده است.

نکته: محدوده‌ی سرزمینی درموردی طبق توافق و معمولاً معوض، قابلیت تغییر و انتقال را دارد. البته موارد دیگر تغییر محدوده قلمرو سرزمینی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- شورشها
 - ۲- مبادله (شوروی سابق، آلاسکا را به آمریکا فروخت)
 - ۳- تجزیه: (اتحاد جماهیر شوروی سابق به ۱۳ کشور مستقل با سرزمین معین، تجزیه شد).
- نکته:** وقف اصل حقوق بین‌الملل، اشغال نظامی؛ یعنی تصرف قلمرو توسط دولت کشور خارجی، هیچ وقت موجب انتقال مالکیت و حاکمیت دولت نیست (یکی از اصول حقوق بین‌الملل عمومی و استقرار ثبات صلح جهانی است). مثل محکومیت دولت عراق در اشغال نظامی کویت در سال ۱۹۹۲ و اجماع جهانی برای بازپس‌گیری آن.

مبحث سوم: قدرت عالی (حاکمیت)

کلیات

- ۱- دولت، عالی‌ترین گروه اجتماعی است و بر سایر گروه‌های اجتماعی برتری دارد.
- ۲- قدرت دولت، سازمان یافته‌ترین، قوی‌ترین و عالیترین قدرت اجتماعی است.
- ۳- سایر گروه‌های اجتماعی، تحت نظارت عالی قدرت عمومی دولت، قرار دارند.
- ۴- قدرت دولت مستقل و ذاتی است.
- ۵- دولت مهمترین گروه سیاسی است که دارای عالیترین قدرت هاست.

نکته: سازمان دولت نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی، کاملتر و روح همبستگی بین افراد و اتباع آن نیرومندتر است.

نکته: در نظریه‌ی موريس دوورژه، فرق میان دولت با سایر گروه‌های اجتماع کمی است تا ماهوی.

فرق دولت با سایر اجتماعات از نظر موريس دوورژه:

الف- تکامل سازمان دولت

- ۱- تقسیم کار بین فرمانروایان
- الف- وجود قانون‌گذاران
- ب- وجود مجریان

ج- وجود نُظار و قضات

۲- وجود نظام سیستم پیشرفته ضمانت اجرا

* وجود مجموعه‌ی کاملی از ضمانت اجراها (مجازات‌ها و تنبیهات) که نظیر آن در سایر گروه‌های اجتماعی یافت نمی‌شود. دولت با وجود سیستم کامل ضمانت اجرا، می‌تواند تصمیمات خود را به‌موقع اجرا بگذارد و تسلط خود بر سایر گروه‌های اجتماعی را هموار سازد.

۳- استفاده‌ی انحصاری از قوه‌ی قهریه

وجود قوای مسلح در ید دولت، ضامن اجرای قوانین و مقررات عمومی است. هیچ گروه اجتماعی به جز دولت، حق استفاده از قوه‌ی قهریه نظیر پلیس و نظامیان را ندارد. (قوای نظامی مظهر حاکمیت دولت است.) در طول تاریخ قوای قهریه همواره نشانه‌ی برتر حاکمیت تلقی شده است.

ب- وسعت همبستگی اجتماعی

افراد یک ملت همواره، علایق ملی و میهنی خود را بر سایر علایق (خانوادگی، قبیله‌ای، صنفی) ترجیح داده اند.

* در برهه‌ای از تاریخ جهان، ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) همواره به عنوان یک ایدئولوژی آزادی بخش، محسوب می‌شده و از برکات آن بوده است که بسیاری از ملتها توانسته اند از یوغ استعمارگران رهایی یابند. (عامل استقلال برخی کشورهای اروپایی در قرن ۱۹ و در بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی و امریکای لاتین وجود روح ناسیونالیسم بوده است.)

نکته: بعد از جنگ جهانی دوم بر اثر نضج (رشد) گروه‌های مسلکی و مرامی، همبستگی‌های ملی، تضعیف شده است.

نکته: هرچند ناسیونالیسم یک آرمان آزادی بخش محسوب می‌شود، لکن خشونت‌هایی را هم در طول تاریخ به همراه داشته است.

نکته: دولت-ملت در سر راه نیل به آزادی و حکومت جهانی، مرحله‌ای از تاریخ بشر است که ناگزیر هستیم این دولت-ملت‌ها را تحمل کنیم.

قدرت عالی و مسأله‌ی مشروعیت

مشروعیت یک رابطه‌ی اعتقادی و ایمانی است که بین قدرت (دولت) و افراد وجود دارد. بدون مشروعیت، هیچ دولتی انسجام و استحکام لازم را نخواهد داشت و دولت غیرمشروع و غاصب، دولتی سست و بی دوام است.

مشروعیت، صفتی است که از دیدگاه جامعه یا اکثر افراد جامعه، حکومت و زمامداران باید آن دارا باشند. به اعتقاد جامعه شناسان، قدرت عالی باید در انظار عمومی از مشروعیت برخوردار باشد. بدون چنین کیفیتی نمی‌توان نام دولت را به آن اطلاق کرد. به نظر جامعه شناسان، عامه‌ی مردم هستند که در خصوص:

۱- حقانیت حاکمیت؛

۲- درجه‌ی خلوص و

۳- خدمت‌گذاری

زمامداران قضاوت می‌کنند.

* عقاید عامه‌ی مردم در خصوص مشروعیت حکومت ریشه در گرایشهای:

۱- مذهبی؛

۲- فلسفی و

۳- اخلاقی دارد.

نکته: آنچه مهم است اعتقاد و ایمانی است که مردم نسبت به حکومت در سر دارند، و همین امر موجب اعتبار و تداوم حکومت می‌شود.

انواع قدرت دولت (حکومت)

۱- قدرت مادی: شامل قوای قهریه، سازمان و تشکیلات دولت است.

۲- قدرت معنوی: همان پشتوانه‌ی مردمی است که حمایت معنوی آن، به دولت و اعمال آن مشروعیت می‌بخشد و بقای آن را تضمین می‌کند.

* مشروعیت یک امر عقیدتی است که از وجدان جامعه سرچشمه می‌گیرد و همواره به عنوان عامل اخلاقی و معنوی قدرت عمومی و میزان قضاوت مردم درباره‌ی حاکمیت در طول تاریخ بوده است.

نظرات عمده‌ی مشروعیت قدرت و حاکمیت سیاسی عبارتند از: